



غلامرضا سلامی حسابدار رسمی

چاره رفع ایرادهای نظارت را در ایجاد نهاد ناظر دولتی نمی‌دانم

استاد غلامرضا سلامی در پنجاهمین سالگرد تاسیس انجمن حسابداران خبره ایران به عنوان چهره ماندگار سال ۱۴۰۱ انتخاب شدند. مجله حسابرسان به ایشان تبریک می‌گوید و آرزوی سلامتی برایشان دارد.

حسابداری

تحولات ساختاری نیاز به واکاوی و دریافت نظر اهل فن دارد. به همین علت در آستانه تحول ساختاری در حرفه، از آقای سلامی در باب گفتگو درباره نهاد ناظر دعوت به عمل آوردیم. این شماره از مجله حسابرسان را با حضور شما به واکاوی نظارت بر حسابرسانی و به طور مشخص، ویژگیهای نهاد ناظر بر حرفه حسابرسانی اختصاص داده‌ایم. ضمن خوشامدگویی، اگر مایلید ابتدا جهت روشن شدن هرچه بهتر موضوع مورد گفتگو، از تاریخچه مدل‌های نظارت بر حسابرسانی

سلامی

از نظر من به امر نظارت بر کار حسابرسی مستقل در ایران ایرادهای بسیاری وارد است، ولی من چاره رفع این ایرادها را در ایجاد نهاد ناظر دولتی نمی‌دانم.

سازمان

لطفا نظراتان را بیشتر توصیف کنید؟

سلامی

اعتقاد دارم چنانچه عزم جزمی از طرف اکثریت اعضای حرفه وجود داشته باشد، در قالب همین ساختار فعلی امکان نظارت کارآمد و رفع نگرانیهای به حق، وجود دارد. طبق مقررات، جامعه حسابداران رسمی به تقریب در گزینش اعضای خود و انفصال آنها از عضویت، مسلوب الاختیار است و همچنین هیچ نوع مشارکتی در تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی ندارد و بسیاری از تصمیم‌گیریهای ذاتی آن هم خارج از جامعه و توسط نهادهای دیگر به عمل می‌آید، بنابراین انتظار این

در کشورهای پیشرفته صنعتی برای ما و خوانندگان حسابرس بگویید.

سلامی

در کشورهای پیشرفته از ابتدا تا چندین سال پیش، نهاد ناظر بر موسسات حسابرسی، نهادهای برخاسته از خود حرفه بود. برای مثال در خود آمریکا تا قبل از افشای تخلفات مالی گسترده در شرکتهای انرون، ورلدکام و... هم نهاد ناظر بر موسسات حسابرسی و هم نهاد استانداردگذار، مستقل از دولت به صورت خودانتظام در خود حرفه سازمان‌دهی می‌شد و انجام وظیفه می‌کرد. تا آن تاریخ هم همه تحولات مثبت و پیشرفت حرفه حسابداری همگام با توسعه خارق‌العاده صنعتی، اقتصادی و تکنولوژی آن جوامع حرکت می‌کرد. با افشای آن رسواییهای بزرگ، قانونگذاران بر آن شدند تا نظارت بر موسسات حسابرسی را در قالب یک نهاد حاکمیتی صورت گیرد.

سازمان

نهاد ناظر این چنینی آیا جلوی تکرار تقلبهای با این حجم را می‌گیرد؟

سلامی

البته هنوز خیلی زود است که قضاوت شود این تدبیر بتواند جلوی تکرار آن رسواییهای مالی را بگیرد و به طور شخصی اعتقاد دارم که این چنین نخواهد بود.

سازمان

با این توصیف، مدل مناسب موردنظر شما چیست؟

سلامی

به نظر من سازوکار مناسب مراقبتهای قانونی و مستمر بر چگونگی و کفایت نظارت بر حسابداری شرکتهای و موسسات حسابرسی، به خصوص در مورد بنگاههای اقتصادی عمومی و شرکتهای پذیرفته شده در بورس، باید محتوایی مورد توجه قرار گیرد و جایگاه دولتی یا مدنی آن نمی‌تواند تعیین کننده باشد.

سازمان

آیا در کل ابرادی به ساختار فعلی نظارت که در حیطه وظایف جامعه حسابداران رسمی است، وجود دارد؟ چاره کار از نظر شما؟

از نظر من مهمترین علت وجودی

جامعه حسابداران رسمی

به عنوان یک نهاد حرفه‌ای

نقش نظارتی آن است که

متأسفانه تاکنون

به دلایل مختلف به درستی

ایفا نشده است

بود که وظیفه نظارت بر اعضایش را به عنوان یک نهاد خودانتظام، خودش انجام دهد.

حسابرس

با توجه به وظایف دیگر نهادها که هر کدام وظیفه مستقلی برای نظارت دارند، خودانتظامی که از آن نام بردید چه تفسیری دارد؟

سلامی

این خودانتظامی به معنای آن نیست که نهادهای ناظر دیگر مانند دیوان محاسبات، سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی در چارچوب وظایف نظارتی خود اقدامی در این زمینه انجام ندهند، بلکه برعکس، وظیفه اصلی نظارت بر بنگاه‌های اقتصادی زیر نظر آن‌ها برعهده آنان بوده و این نظارت به خصوص در زمینه حسابداری و حسابخواهی بسیار حائز اهمیت است.

حسابرس

برای خوانندگان حسابرس بفرمایید که ایراد اساسی در این خصوص را در چه می‌دانید؟

سلامی

ایراد اساسی در تداخل وظایف این نهادهای ناظر است، به نظر من در زمینه‌های نکات فنی و تکنیکی (مانند نظام‌پزشکی و نظام‌مهندسی) حسابداری و حسابرسی هیچ یک از نهادهای ناظر دیگر قادر به رسیدگی منصفانه و کارآمد نیست و این جامعه حسابداران رسمی است که باید این وظیفه اساسی را به درستی انجام می‌داد. متأسفانه از ابتدای تاسیس جامعه، آن‌طور که نیاز بود به مسئله نظارت توسط ارکان آن توجه لازم می‌ذول نگردید و این در حالی بود که مهمترین دلیل وجودی جامعه به عنوان یک تشکل حرفه‌ای امر نظارت بوده و هست و بی‌توجهی به آن باعث به وجود آمدن ایده ایجاد یک نهاد ناظر دولتی شده است.

حسابرس

برخی نگرانیها در مورد مزاحم بودن نظارت بر فرایند انجام کار توسط نهاد ناظر وجود دارد. شما در این مورد چه نظری دارید؟ ایرادها را در چه می‌بینید؟

سلامی

با توجه به پیشینه موجود در ساختار اداری کشور به طور

کلی دیوان سالاری دولتی در همه زمینه‌ها به عنوان عامل مزاحم در توسعه کسب و کار کشور تلقی می‌شود، برای مثال توجه کنید که میزان نارضایتی از رفتار عوامل سازمان امور مالیاتی، تامین اجتماعی، شهرداری و ... تا چه میزان است و نقش آن‌ها به عنوان موانع توسعه کسب و کار تا چه حد ارزیابی می‌شود. برخلاف کشورهای مطرح دارندة نظام دموکراسی که در آن‌ها دولت‌ها خدمتگزار مردم هستند و حفظ کرامت انسانها سرلوحه شعار و عمل نهادهای حکومتی است، در ایران متأسفانه به دلایل تاریخی حکومت پاسخ‌گویی لازم به مردم را ندارد. در چنین شرایطی باید تلاش کرد از طریق ایجاد نهادهای مدنی و تشکیلات خودانتظام بیشتر سازوکارهای دموکراسی در کشور را نهادینه کرد نه این‌که با اضمحلال نهادهای مدنی اندک فعلی مسیری قهقهرایی را طی کرد.

حسابرس

عاملی که نظارت بر موسسات حسابرسی را در اطمینان بخشی به گزارشگری مالی الزامی می‌کند، حفظ منافع عمومی است. منافع عمومی را چگونه می‌توان توصیف کرد؟

سلامی

منافع عمومی در هر جامعه‌ای از طریق توسعه متوازن کشور در زمینه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تامین می‌شود. هرچند که در اکثر زمینه‌های فوق حرفه حسابداری دارای نقش درخور توجهی است، ولی به هر حال حسابداری جزئی از علوم اقتصادی محسوب شده و نقش آن در توسعه اقتصادی تعیین کننده می‌باشد. ویژگیهای چون ایجاد اطلاعات قابل استفاده در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، اعتبار بخشی به ادعاهای مدیریت بنگاه‌ها و نهادهای اقتصادی و حتی غیرانتفاعی، شفافیت اطلاعاتی، کاربرد سیستمهای کنترل و حسابرسی داخلی برای مقابله با ریکت و پاش، حیف و میل و سوءاستفاده در فعالیتهای اقتصادی و حتی غیرانتفاعی و اعتبار بخشی به گزارشهای مالی، جایگاه حرفه حسابداری را در حفظ منافع عمومی مشخص می‌سازد.

حسابرس

ساختار کنونی نظارت بر حسابرسان در ایران چه

مساجد

البته نظارت بدون حضور ذینفع، ایده دیگر تشکیل نهاد ناظر بوده، به عبارتی ناظر نباید از بدنه حرفه باشد؛ با این توصیف با فرض وجود چنین توانمندی تخصصی در ناظر بیرونی، شما در این باره چه نظری دارید؟

سلامی

روشن است که اعضای حقیقی این واحدها و هیئتها باید از آن چنان توانایی در کار خود برخوردار باشند که اکثریت اعضای جامعه به این توانایی و صلاحیت اذعان کنند. ولی متأسفانه می‌بینیم که در این دوران در اکثر موارد عکس آن صادق بوده است.

به این دلیل که به‌کارگیری افراد با صلاحیت ممتاز در این ارکان، از توان مالی جامعه فراتر است به‌نظر من عذر بدتر از گناه است؛ زیرا لازم است که جامعه بیش از ۹۰ درصد درآمدهای بالفعل و بالقوه خود را مصروف فرایند نظارت بکند. تصور این که کارشناس رسیدگی به پرونده‌های حسابرسی موسسات، حداکثر درحد یک حسابرس ارشد

نارساییهایی دارد؟

سلامی

همان‌طور که گفته شد، از نظر من مهمترین علت وجودی جامعه حسابداران رسمی به‌عنوان یک نهاد حرفه‌ای، نقش نظارتی آن است که متأسفانه تاکنون به‌دلایل مختلف به‌درستی ایفا نشده است. ابتدا باید دانسته شود که نظارت کارآمد برکار حسابداران حرفه‌ای، نه‌تنها حافظ منافع عمومی است، بلکه در نهایت منافع مادی و معنوی اعضای جامعه را هم به‌نحو شایسته‌ای تامین می‌کند. متأسفانه وجود تعارض بین منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت، یک عارضه مهلک فرهنگی است که گریبان جوامعی مانند ایران را گرفته و مانع بزرگی در راه توسعه آن‌ها به‌شمار می‌رود. برای نمونه تعدادی از اعضای جامعه که متأسفانه اقلیت بزرگی را هم شکل می‌دهند، اصولاً از نظارت و عواقب آن گریزانند و همدلی لازم را برای تقویت این جبهه مهم نشان نمی‌دهند. غیر از مسایل فرهنگی، عوامل دیگری در وجود چنین دیدگاهی وجود دارد از جمله عدم صلاحیت حرفه‌ای تعدادی از اعضاء که به بهانه‌های مختلف از فیلترهای احراز صلاحیت لازم عبور نکرده‌اند. علت مهم دیگر، ناشی از وضعیت بد اقتصادی بیشتر موسسات حسابرسی است که نظارت را به‌عنوان امری مزاحم و زائد جلوه‌گر می‌سازد. وجود چنین دیدگاهی و جبهه‌گیری در مقابل نظارت از طرف تعدادی از اعضا ارکان منتخب را دچار تردید می‌کند و غیر از ایجاد ضعف ساختاری در فرایند نظارت، نهادهای غیرمنتخب یا خارج از جامعه را نیز به دخالت بیشتر در وظایف اصلی جامعه ترغیب می‌کند. از نظر من نکته مهمتر عدم‌درک کافی ارکان منتخب جامعه از اهمیت نظارت به‌عنوان اصلی‌ترین وظیفه آن، در این حدود بیست سالی که از تاسیس آن می‌گذرد، می‌باشد.

مساجد

دلیل بر این ادعا ذکر کنید؟

سلامی

دلیل این ادعا کیفیت پائین (به‌نسبت آنچه که باید باشد) ارکان نظارتی اصلی جامعه شامل هیئت‌مدیره، کارگروه کنترل کیفیت (و کارگروه‌های مرتبط دیگر)، واحد کنترل کیفیت، هیئتهای بدوی انتظامی و عالی انتظامی و ... می‌باشد.

بدیهی است که با این

پرداختهای فعلی جامعه

اشخاص واجد صلاحیت

موردنظر حاضر نیستند

در هیچ یک از ارکان نظارتی

جامعه وقت و انرژی

کامل بگذارند

توانایی نظارت را داشته باشد، نقض غرض نظارت است. از طرف دیگر یک کارشناس کنترل کیفیت ارشد (چه در کارگروه کنترل کیفیت و چه در واحد کنترل کیفیت) و اعضای هیئتهای انتظامی، لازم است حداقل صلاحیت یک مدیر ارشد حسابرسی را داشته و از ویژگیهای شخصیتی لازم برای این مسئولیتها نیز برخوردار باشند. بدیهی است که با این پرداختهای فعلی جامعه، اشخاص واجد صلاحیت موردنظر حاضر نیستند در هیچ یک از ارکان نظارتی جامعه وقت و انرژی کامل بگذارند. همچنین لازم است که حداقل یکی از اعضای کارگروه کنترل کیفیت، هیئتهای بدوی انتظامی و عالی (منتخب جامعه) با داشتن صلاحیت لازم به صورت تمام وقت انجام وظیفه کنند.

حسابرس

آیا ایجاد نهاد ناظر خارج از جامعه به نحوی که در طرح در دست بررسی مجلس وجود دارد، می تواند نارساییها و ایرادهای مطرح شده را مرتفع سازد یا خیر؟

سلامی

با صراحت می گویم خیر؛ زیرا نه تنها این ایرادها و نارساییهای

پیش گفته می تواند در نهاد ناظر جدید وجود داشته باشد، بلکه در آن صورت جامعه حسابداران رسمی ایران نیز تبدیل به یک شیر بی یال و دم و اشکم خواهد شد و حسابداران رسمی و موسسات حسابرسی از شأن و جایگاه حرفه ای فعلی (که در قیاس با استانداردهای جهانی چندان هم بالا نیست) تنزل خواهد یافت. روشن است که در چنین شرایطی اقبال اشخاص نخبه به این حرفه روز به روز کمتر خواهد شد و این به طور قطع به زیان آینده کشور خواهد بود. از نظر من یک حسابرس دارای شخصیت جهانی به هیچ وجه زیر بار نظارت و در بعضی موارد تحقیری که توسط اشخاص غیر واجد صلاحیت بر آنها تحمیل خواهد شد، نخواهند رفت. برای نمونه من به عنوان یک حسابرس متوسط اگر هنوز حسابرسی می کردم، هرگز این شیوه رفتار سازمان بورس و اوراق بهادار با حسابرسان را بر نمی تافته و عطا ی آن را به لقایش می بخشیدم. از طرف دیگر توجه داشته باشیم که همان محدودیتهای بودجه ای و نیروی انسانی و سازوکارهای اعمال نظارت می تواند به طریق اولی در نهاد ناظر جدید نیز وجود داشته باشد.

حسابرس

آیا نهاد ناظر تنها باید بر حسابرسی مستقل واحدهای بامناف عمومی نظارت داشته باشد و یا بر تمامی حسابرسان و خدمات اطمینان بخشی نظارت کند؟

سلامی

از دیدگاه من نظارت بر کار حسابداران حرفه ای باید شامل تمام خدمات اطمینان بخشی باشد زیرا منافع عمومی متأثر از همه اینگونه خدمات هست و احصا منافع عمومی به فعالیتهای یک یا چند گروه ویژه از بنگاه ها درست نیست.

حسابرس

آیا با استقرار نهاد ناظر، حجم رسیدگیهای حسابرس و همچنین کیفیت آن تاثیر می پذیرد؟ به عبارتی آیا ظهور نهاد ناظر می تواند اثربخشی در حسابرسی را ارتقا ببخشد؟

سلامی

ما در حال حاضر جامعه حسابداران رسمی را به عنوان نهاد ناظر داریم بنابراین صرف ایجاد یک نهاد ناظر جدید ارزش افزوده ای به وجود نمی آورد، زیرا چه در نهاد ناظر

چه در نهاد ناظر موجود و

چه در نهاد ناظر جدید

تا کیفیت نظارت ارتقا پیدا نکند

هیچ تحولی در حسابداری حرفه ای

پدید نمی آید

به دست نمی‌آورد بلکه این امکان وجود دارد که در آینده نزدیک نهاد ناظر جدید به یک دستگاه با ردیف بودجه هزینه‌ای تبدیل شود، زیرا نمی‌توان تمام هزینه‌های ناکارایی دولت در نهاد جدید را به موسسات حسابرسی و بورس تحمیل کرد. در چنین حالتی و در صورت عدم تأمین کسری از طریق بودجه سالانه دولت در حد کفایت، روشن است که این نهاد هم به بسیاری از نهادهای موازی و بی‌خاصیت دولت مبدل خواهد شد.

مساجد

برخی نظارت سازمان بورس را که در حال حاضر وجود دارد کافی دانسته و وجود نهاد ناظر را دوباره‌کاری می‌دانند. نظر شما در این خصوص چیست؟ با توجه به این که تمام موسسات حسابرسی معتمد بورس نیستند، نظارت سازمان بورس بر موسسات حسابرسی را تا چه حد دارای وسعت و جامعیت لازم می‌دانید؟

سلامی

از نظر من نظارت بورس بر موسسات حسابرسی هم ضعیف، در بعضی مواقع تبعیض‌آمیز، در بسیاری از موارد غیرکارشناسانه و گاه دور از شأن حسابرسان بوده است. اعتقاد داشته و دارم که سازمان بورس و اوراق بهادار فقط کافیست تا شکایت و مستندات خود را از کار حسابرسان به جامعه حسابداران رسمی منعکس کند، تا در آنجا فرایند رسیدگی به پرونده و طرح در هیئت‌های بدوی و عالی انتظامی طی شده و سازمان بورس به رأی صادره در هیئت عالی انتظامی که رییس آن را رئیس شورای بورس انتخاب می‌کند، تمکین کند. البته معتقدم که با اصلاح مقررات جامعه باید این حق برای دبیرکل جامعه، بورس و هیئت عالی نظارت (از طرف خود و سایر ذینفعان) ایجاد شود که طبق آن بتوانند به آرای هیئت‌های بدوی انتظامی اعتراض و درخواست تجدیدنظر کنند.

مساجد

به پایان گفتگوی تخصصی راجع به مسئله نظارت بر حرفه حسابرسی می‌رسیم. آقای سلامی از این که در این مجال با ما بودید کمال تشکر را داریم.



از نظر من نظارت بورس بر

موسسات حسابرسی هم ضعیف

در بعضی مواقع تبعیض‌آمیز

در بسیاری از موارد غیر کارشناسانه و گاه

دور از شأن حسابرسان بوده است

موجود و چه در نهاد ناظر جدید تا کیفیت نظارت ارتقا پیدا نکند، هیچ تحولی در حسابداری حرفه‌ای پدید نمی‌آید. بدیهی است با تغییر رویکرد اشخاص ذیربط به خصوص خود حسابداران رسمی به مقوله نظارت بر حرفه به شرحی که گفته شد، اثربخشی حسابرسی در کشور به مراتب افزایش خواهد یافت. بنابراین به جای ایجاد یک نهاد جدید برای نظارت بر حرفه حسابداری بهتر است با تشخیص مشکل اصلی، سعی کنیم تحولی اساسی در امر نظارت در نهاد ناظر موجود ایجاد کنیم. هم منطقی‌تر است، هم اقتصادی‌تر، هم اثربخش‌تر و هم از فربه شدن بیشتر دولت جلوگیری می‌کند.

مساجد

در بحث نظارت، دولت منافع درامدی ندارد بلکه جهت پاسخگویی و اطمینان بخشی به سرمایه‌گذاران و استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی است، آیا با توجه به تخصصی بودن نظارت در حرفه حسابرسی ذینفع نبودن دولت مزیت تلقی می‌گردد یا خیر؟

سلامی

در این طرحی که من دیدم، دولت نه تنها منابع درامدی